

بررسی تطبیقی شمول معنایی در اشعار سهراب سپهری و نیما یوشیج

واژگان کلیدی

* معنی‌شناسی

* روابط واژگانی

* شمول معنایی

* شعر

دکتر فروغ کاظمی * f.kazemi86@yahoo.com

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مهسا قاسمی

دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

شمول معنایی یکی از مهم‌ترین روابط مفهومی در هر نظام زبانی است و زمانی مطرح است که یک مفهوم چند مفهوم دیگر را شامل می‌شود. پژوهش حاضر، به بررسی تطبیقی این رابطه واژگانی در اشعار سهراب سپهری و نیما یوشیج پرداخته است. روش گردآوری داده‌های مقاله به صورت کتابخانه‌ای است و پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. حجم نمونه شامل صد بیت شعر از هشت کتاب سهراب سپهری و صد بیت شعر از مجموعه اشعار نیما یوشیج است که اشعار واژه‌های مربوط به شمول معنایی از آنها استخراج و سپس به مقایسه و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه شمول معنایی در اشعار هر دو شاعر کاربرد قابل ملاحظه‌ای داشته است. اما این کاربرد در اشعار سهراب بیشتر از اشعار نیما است. گفتنی است کاربرد شمول معنایی در اشعار نیما عمدتاً در حوزه واژگان منفی، یاس و ناامیدی مانند «تیرگی، زمستان، سیاهی، شب، سیا» بوده است، اما در اشعار سهراب، غالباً شامل واژگان مثبت و مربوط به امید به زندگی مانند «دریا، تابستان، ماهی، عشق، زندگی» است. یافته‌ها حاکی از آن است که اشعار سهراب سپهری و نیما یوشیج در استفاده از شمول معنایی در واژه‌های دریا، شب و تابستان دارای شباهت هستند. علاوه بر آن، نیما جز در مواردی محدود از هم‌شمولی چندان بهره‌ای نبرده، این در حالی است که سهراب در اکثر ابیات خود به خوبی به هم‌شمولی به عنوان بخشی از رابطه شمول معنایی توجه داشته است.